

اطلس گویش‌شناختی قصران داخل، گیتی دیهیم، تهران: سروش و دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۸، ۳۴۸ صفحه.

اطلس گویش‌شناختی قصران داخل نوشته گیتی دیهیم در سال ۱۳۸۸ در قطع رحلی و ۳۴۸ صفحه توسط انتشارات سروش با همکاری دفتر پژوهش‌های فرهنگی به چاپ رسیده است.

قصران، که آن را معرب 'کُهران' یا 'کوهساران' دانسته‌اند (محمودیان، ۱۳۸۱: ۵۷)، منطقه‌ای است کهن که سرزمین‌های واقع بین دره‌های رودخانه‌های کرج، در غرب و شمال غربی، لار، در شمال و شمال شرقی، و سرشاخه‌های شرقی جاجرود را در شرق دربرمی‌گیرد و جنوب آن به شمال شهرری قدیمی (مناطق ۱۵، ۱۹ و ۲۰ شهرداری کنونی تهران) می‌رسد. این منطقه در گذشته به دو بخش قصران داخل، "نواحی کوهستانی"، و قصران خارج، "نواحی هموار دشتی و دامنه‌های جنوبی رشته‌کوه توچال"، تقسیم می‌شد. (همان).

در تقسیمات کشوری کنونی منطقه‌ای با نام 'قصران داخل' وجود ندارد و محدوده فعلی آن تقریباً مجموع بخش 'رودبار قصران' و بخش 'لواسان' را، که هردو از بخش‌های شهرستان 'شمیران' هستند، شامل می‌شود. نویسنده/اطلس گویش‌شناختی قصران داخل به پیروی از محقق فقید استاد حسین کریمان (۱۳۵۶)، که در اثر خود تحت عنوان 'قصران (کوهساران)'، و نقشه‌هایی که در این اثر از این منطقه ارائه کرده‌اند، بر حفظ دو نام 'قصران داخل' و 'قصران خارج' اصرار ورزیده‌اند. 'قصران داخل' را به‌عنوان محدوده تهیه‌ی اطلس گویش‌شناختی خود برگزیده است، و 'قصران خارج' را، که از حالت روستایی بیرون آمده (دیهیم، ۱۳۸۸: ۱۲)، از محدوده بررسی خارج کرده است.

زبان‌شناسان از قدیم با دو نوع اطلس کار می‌کردند: یکی اطلسی که توزیع جغرافیایی زبان‌های یک منطقه را نشان می‌داد و دیگری نوعی اطلس که نشان‌دهنده توزیع جغرافیایی ویژگی‌های زبان‌شناختی در گویش‌های یک زبان

بود، که در گویش‌شناسی جدید، به‌ترتیب، 'تفسیری' و 'بازنمودی' نامیده می‌شوند. *اطلس گویش‌شناختی قصران داخل* از نوع دوم است. این کتاب، تا آن‌جا که نگارنده این سطور اطلاع دارد، تنها اثر روش‌مندی است که به بررسی و ثبت گویش‌های این منطقه پرداخته است و از این نظر درخور اهمیت فراوان است. کتاب، پس‌از صفحه‌عنوان و صفحه‌حقوق، با فهرست نام گویشوران و نام روستاهای مورد بررسی آغاز می‌شود (ص. ۳) و پس‌از آن، فهرستی برای نشان‌دادن علائم آوایی (ص. ۴)، فهرست واژه‌های به‌کاررفته در *اطلس* (صص. ۵ تا ۸)، پیش‌گفتار نویسنده (ص. ۹) و مقدمه (صص. ۱۰ تا ۱۴) قرار گرفته‌اند. پس‌از مقدمه، نقشه‌های گویشی (صص. ۱۶ تا ۳۱۶)، و پس‌از آن پرسش‌نامه (صص. ۳۱۷ تا ۳۴۷)، و در صفحه‌آخر، کتاب‌نامه ارائه شده است.

زمانی که صحبت از *اطلس زبان‌شناختی* یا *گویش‌شناختی* به‌میان می‌آید، به‌طور طبیعی، پیش‌از هرچیز ذهن ما متوجه نقشه‌هایی می‌شود که ویژگی‌های موردنظر را در گستره جغرافیایی مشخصی به‌نمایش می‌گذارند. کتاب *اطلس گویش‌شناختی قصران داخل*، از این‌نظر کاملاً غنی است، و همان‌گونه که از فهرست ارائه‌شده در بالا برمی‌آید، توزیع مطالب در آن از نظمی منطقی برخوردار است.

جدول علائم آوایی مورداستفاده در کتاب، با نام 'حروف الفبا و برابری آوایی آن‌ها'، به دو بخش 'صامت‌ها' و 'مصوت‌ها' تقسیم می‌شود (صفحه ۴). در این جدول، همان‌گونه که از نام آن پیداست، به‌دلیلی که برای این نگارنده روشن نیست، حروف الفبای فارسی اصل قرار گرفته و در بخش صامت‌ها، برای هر حرف، یک برابر آوایی ارائه شده است. به‌این‌ترتیب، حروفی که تلفظ یکسان دارند، (مانند ذ، ز، ض و ظ؛ ث، س و ص؛ ح و ه)، هر یک به‌طور جداگانه در جدول ذکر شده‌اند و 'برابر آوایی' (نشانه آوایی) واحدی برای همه آن‌ها تکرار شده است. این روش نه اقتصادی است و نه دقت علمی کافی دارد.

1. interpretive
2. display

به‌کارگیری حروف الفبا، به‌منظور معرفی نشانه‌های آوایی واکه‌ها (مصوت‌ها)، مشکل جدی‌تری به‌وجود آورده است، چراکه این دسته از آواها غالباً مابه‌ازای مشخصی در الفبای فارسی ندارند و به‌همین دلیل نویسنده کوشیده است تا با اعراب‌گذاری (به‌صورت *آ، / و /*)، یا استفاده از ترکیب دو حرف (*او و ای*)، ارزش آوایی آن‌ها را روشن کند. درهمین‌زمینه، درمورد برخی آواها، که نشان‌دادن تمایز آن‌ها در خط فارسی امکان‌پذیر نیست، (نظیر *oo, oo و oo*)، دچار مشکل شده و معادل هرسه را *آو* قرار داده است. نویسنده برای برخی دیگر از آواها، که در زبان فارسی معیار وجود ندارند، ناگزیر شده است از تلفظ واژه‌های زبان فرانسه کمک بگیرد، نظیر واکه *ψ*، که درمقابل آن در داخل دوکمان (واژه فرانسه *tu*) را قرار داده است.

صحیح‌تر آن بود که همان‌گونه که در آثار گویشی مرسوم است، نشانه‌های آوایی به‌کاررفته، به‌همراه ارزش آوایی‌شان، که به‌طورمعمول با ذکر دقیق ویژگی‌های تولیدی هر آوا نشان داده می‌شود، در جدولی ارائه شوند. به‌این‌ترتیب نویسنده و خواننده از همان ابتدا، به‌دور از هرگونه سردرگمی، در درک مشترکی از نشانه‌ها سهیم می‌شدند.

کتاب از مقدمه خوبی برخوردار است، که در آن، در بخش‌های مجزا، به ویژگی‌های پرسش‌نامه، محدودیت نسبی زبان روستاییان این منطقه، نکته‌های زبانی مورد مطالعه، کار میدانی، شرایطی که پاسخ‌گو (گویشور) باید داشته باشد، آبادی‌های قصران داخل، منطقه قصران، و زبان منطقه قصران پرداخته شده است. در بخش پرسش‌نامه، نویسنده اشاره کرده است که در تدوین پرسش‌نامه کار را با پیشنهادهای زبان‌شناسان ایرانی نظیر دکتر صادق کیا و دکتر ناتل خانلری آغاز کرده، اما روش کار وی مأخوذ از گویش‌شناسان فرانسوی و انگلیسی است. پرسش‌نامه وی دربردارنده ۱۲۰۰ واژه و جمله است اما برای تهیه اطلس گویش‌شناختی قصران داخل تنها ۳۰۰ واژه آن به‌طور گزینشی مبنای کار قرار گرفته است.

این پرسش‌نامه به تعدادی گروه معنایی (زمینه مختلف)، تقسیم شده است که از آن میان می‌توان به خانواده، اندام‌ها، درختان، جانوران، خوراکی‌ها و لوازم آن‌ها، لباس، غذاها و خانه و اثاثیه آن، اشاره کرد. به گفته نویسنده: «تعداد واژه‌های گزینش‌یافته، در هر زمینه، بستگی به وسعت واژگانی آن زمینه در زبان فارسی دارد، و البته متداول‌ترین آن‌ها را در هر مورد انتخاب کرده‌ایم» (ص. ۱۰). انتخاب این گروه‌های معنایی و واژه‌هایی که در این گروه‌ها گنجانده شده‌اند، خالی از اشکال نیست. به‌عنوان نمونه، مشخص نیست جداسازی دو گروه 'غذاها' و 'خوراکی‌ها' و لوازم آن‌ها، از یک‌دیگر به‌چه‌منظوری صورت گرفته است. شاید بهتر بود واژه‌های دو گروه درهم ادغام می‌شدند، و واژه‌هایی که در گروه دوم به لوازم مربوط می‌شوند، نظیر 'سماور، کاسه، پیاله، بشقاب و سینی' در گروه 'خانه و اثاثیه آن' قرار می‌گرفتند. حضور واژه‌های 'ننه' و 'بابا' در گروه 'از تولد تا مرگ' توجیه‌پذیر نیست و به‌نظر می‌رسد که باید در گروه 'خانواده' و در کنار سایر واژه‌های خویشاوندی جای داشته باشند. به‌علاوه، برخی از گروه‌ها مانند گروه 'از تولد تا مرگ' واژه‌هایی چنان متفاوت را در خود جای داده‌اند، که در کنارهم بودن آن‌ها، اساس نیاز به طبقه‌بندی واژه‌ها را در این پرسش‌نامه زیر سؤال می‌برد. علاوه‌براین، دو گروه تحت عنوان‌های 'نکته‌های دستوری' و 'نکته‌های تلفظی' در انتهای پرسش‌نامه آورده شده‌اند، که حاوی اقلام واژگانی و عبارت‌های متفاوتی هستند. بهتر بود توضیحی در ارتباط با چرایی گزینش واژه‌های این دو گروه و هدفی که از گردآوری آن‌ها دنبال می‌شود، داده می‌شد.

نویسنده به‌درستی بیان می‌کند، که باید در هنگام مصاحبه شرایطی را ایجاد کرد که مصاحبه‌شونده بدون آن که تحت تأثیر تلفظ یا انتخاب واژگانی مصاحبه‌کننده قرار بگیرد، معادل گویشی واژه یا ساختار موردنظر را ادا نماید. به‌همین منظور وی به‌جای به‌کارگیری روش سنتی مرسوم در گردآوری داده‌های زبانی، که در آن مصاحبه‌کننده مستقیماً معادل فارسی واژه‌ها یا ساختارهای زبانی را می‌گوید، و گویشور معادل گویشی را ادا می‌کند، از شیوه پرسش غیرمستقیم استفاده کرده است. یعنی برای هر واژه، جمله‌ای استفاده می‌شود، و تا حد امکان ساده را

طرح کرده، به نحوی که واژه موردنظر پاسخ آن باشد. در برخی موارد نیز جای واژه موردنظر را در ساخت یک جمله خالی گذاشته و شرایطی فراهم می‌کند که گویشور با ادای آن واژه، جمله را تکمیل کند.

گردآوری داده‌ها به این شیوه کاملاً علمی است، اما در برخی موارد، در طرح جمله‌های استفهامی این پرسش‌نامه دقت لازم به کار نرفته است. به عنوان نمونه در پرسشی که قرار است گویشور را به واژه 'پدر' برساند، واژه 'بابا' به کار رفته است، که از دقت کار می‌کاهد. بهتر بود همان گونه که نویسنده گرامی خود در مقدمه بیان کرده‌اند، پرسش‌ها به گونه‌ای طرح می‌شدند که گویشور را به‌طور غیرمستقیم به پاسخ برسانند، و تا حد امکان از تأثیر زبان رسمی معیار بر گردآوری داده‌های گویشی جلوگیری می‌شد. در مواردی نیز پرسش‌ها، هم به لحاظ ساختاری هم به لحاظ مفهومی، به میزان کافی، ساده و روشن نیستند، مثلاً پرسش 'دست‌ها و پاها به آن‌ها ختم می‌شوند'، برای شنیدن پاسخ 'انگشت' از گویشور، و یا پرسش 'دریاها از آن پر است'، برای شنیدن پاسخ 'آب'، مناسب به نظر نمی‌رسند.

گسترده‌گی کار و نیز تمایل به اتمام آن در زمانی کوتاه و با هزینه کمتر، موجب شده است که نویسنده در هر روستا تنها با یک گویشور مصاحبه و برای ترسیم اطلس به همان اکتفا کند. این امر تا حدی به استنادپذیری و دقت اثر آسیب زده است.

در این اطلس برای هر یک از ۳۰۰ واژه پرسیده شده، در صفحه‌ای مجزا یک نقشه ترسیم شده است، و در پس‌زمینه نقشه جغرافیایی منطقه، که نام و پراکندگی روستاهای منطقه را نشان می‌دهد، آوانوشتۀ معادل گویشی واژه موردنظر در هر روستا، نمایش داده شده است. در قسمت بالای هر نقشه، واژه موردنظر و جمله استفهامی مربوط به آن، درج شده است. در پایین بعضی از نقشه‌ها، کادری با عنوان 'توضیحات' اضافه شده، که قرار بوده است توضیحات تکمیلی در مورد آن نقشه را در خود بگنجاند، اما در بیشتر موارد حاوی نکته جدیدی نیست و صرفاً به تکرار اطلاعات موجود در نقشه می‌پردازد و حضور آن زائد به نظر می‌رسد. به علاوه، در برخی موارد، بین اطلاعات موجود در این بخش با

آن‌چه در نقشه قید شده، تعارض وجود دارد، که در جای خود به آن اشاره می‌کنیم.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، نقشه‌های اطلس گویش‌شناختی قصران داخل، چون به تنوع و پراکندگی معادل‌های یک پارامتر زبانی در یک منطقه جغرافیایی می‌پردازند، از نوع بازنمودی هستند. امروزه در نقشه‌های بازنمودی، رسم است که به جای ثبت آوانوشت‌ها در داخل نقشه، که خاص نقشه‌های متنی^۱ است (ویث^۲، ۲۰۰۶: ۵۲۱)، برای هریک از معادل‌های پارامترهای زبانی، نشانه‌ای در نظر گرفته شود. به‌عنوان مثال شکل مثلث، دایره، مربع و غیره، که آن‌را از سایر معادل‌ها متمایز می‌کند و این نشانه بر روی نقشه، در محل رواج هر معادل، قرار داده می‌شود. با این روش، که در ترسیم نقشه‌های نمادنا^۳ به‌کار می‌رود (همان)، پیگیری تعداد معادل‌های گویشی مورد استفاده برای هر پارامتر زبانی، در پهنه جغرافیایی مورد بررسی و مشاهده پراکندگی آن‌ها بسیار ساده‌تر خواهد بود. در ترسیم نقشه‌های کتاب مورد بحث از این شیوه استفاده نشده است و نقشه‌ها از نوع متنی هستند، که در اطلس‌های گویشی جدید چندان متداول نیست (همان)، و به‌لحاظ بصری تأثیر نقشه‌های نمادین را ندارد.

در نقشه‌های این کتاب، در ثبت تلفظ معادل‌های گویشی، گاه اشتباهاتی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال برخی از نشانه‌ها بدون آن‌که در جدول نشانه‌ها معرفی شوند، تنها برای تعداد محدودی از واژه‌ها به‌کار رفته‌اند. به‌عنوان نمونه نشانه (U) در تعداد کمی از واژه‌ها به‌کاررفته اما مفهوم آن روشن نیست. مثلاً در نقشه شماره ۶، در ثبت معادل گویشی واژه 'خواهر'، با آوانوشتۀ $\Sigma U A p$ ، برای دو روستای 'ظ' و 'غ' (به‌ترتیب روستاهای 'افجه' و 'نجر کلا') روبه‌رو هستیم، و در نقشه شماره ۱۰ با واژه گویشی $\Sigma U A p$ ، به‌عنوان معادل واژه 'شوهر' برای روستای 'نجر کلا'. در جای دیگر، (نقشه شماره ۲۶)، همین نشانه (U) در واژه

1. text map
2. W. H. Veith
3. symbol map

گویی $\delta:υ$ و $\delta:υυ$ ، به معنای 'دهان'، که به ترتیب در دو روستای 'باغ‌کمش' و 'ترقیان' مورد استفاده قرار می‌گیرند، به کار رفته است. از دیگر موارد نایک‌دستی در ثبت تلفظ، می‌توان به کاربرد علامت خیشومی‌شدگی (أ) اشاره کرد، که تنها در مورد یکی دو واژه، (از جمله واژه گویی $\delta:υυ$)، در روستایی که به آن اشاره شد، به کار برده شده است. البته بازهم بدون آن که در فهرست نشانه‌ها ذکر از آن رفته باشد.

نشانه کشش هم همین وضعیت را دارد و با وجود آن که در مورد تعدادی از واژه‌های گویی به کار رفته است (مثلاً معادل گویی واژه 'لب' در روستای 'نیک‌نامه' که به صورت $\lambda\text{---}\alpha$ ثبت شده است)، در فهرست نشانه‌ها معرفی نشده است. نشانه‌های دیگری هم از این دست وجود دارند. به عنوان نمونه، نشانه Φ بدون معرفی نشانه و مشخص کردن ارزش آوایی آن در نقشه شماره ۳۸، در معادل گویی واژه 'قلب' در روستای ترقیان به کار رفته است. همین وضعیت در مورد کاربرد نشانه آوایی Θ ، در نقشه شماره ۳۵ دیده می‌شود، که در مورد اخیر به طور قطع در به کارگیری نشانه واکه مورد نظر، که در این اثر به صورت α نشان داده می‌شود، اشتباه رخ داده است.

در نحوه ثبت داده‌های گویی این اثر نیز یک‌دستی وجود ندارد. برخی از واژه‌ها با الفبای آوانگار (مثلاً μAp , $\nu\alpha\nu\alpha$)، و برخی به خط فارسی، ثبت شده‌اند (به عنوان مثال 'مادر'، 'ننه'، 'عزیز جون') (ص. ۱۷). در برخی موارد حتی در ثبت یک جمله واحد، از شیوه‌های متفاوت استفاده شده است. این وضعیت، به عنوان نمونه در جمله 'همسایه هم می‌گوییم'، $\eta\alpha\mu\sigma\text{A}\delta\alpha$ هم می‌گوییم (ص. ۳۷) دیده می‌شود. علاوه بر این که یک‌دست نبودن ثبت داده‌های گویی برای اطلس گویش‌شناختی ضعف محسوب می‌شود، به دلیل مشخص نبودن تلفظ دقیق واژه، هنگام ثبت با خط فارسی، استفاده از آن در پژوهش‌های گویش‌شناختی به هیچ‌روی مناسب نیست. به عنوان مثال مشخص نیست که در جمله بالا واژه‌ای که علاوه بر واژه $\eta\alpha\mu\sigma\text{A}\delta\alpha$ به کار می‌رود، $\eta\alpha\mu\sigma\text{A}\rho\epsilon$ است یا $\eta\alpha\mu\sigma\text{A}\rho\alpha$.

یکی دیگر از اشتباهاتِ دورازانتظاری که در این اثر دیده می‌شود، آن است که، در برخی موارد، واژه گویشی ثبت‌شده برای یک روستا، در نقشه، با واژه اداشده توسط گویشوری که گویش او مبنای تهیه اطلس قرار گرفته، همخوانی ندارد. از آن جا که به گفته مؤلف در هر روستا تنها با یک نفر مصاحبه شده است، این امر توجیهی نمی‌تواند داشته باشد. به‌عنوان مثال در نقشه شماره ۳، در بخش توضیحات آمده است که در روستای 'و' ('واصف‌جان')، معادل واژه 'بچه' می‌شود: $\alpha\phi\lambda\alpha\kappa$ یا $\alpha\phi\lambda$. اما در داخل نقشه، برای این روستا، دو معادل $\omega\alpha\tau\sigma\alpha$ و $\alpha\phi\lambda$ ثبت شده‌اند (ص. ۱۹). نمونه دیگر در نقشه ۱ دیده می‌شود، که در آن براساس توضیحات زیر نقشه، در روستای 'ح' (شنستان)، گویشور شماره بیست‌ون، در پاسخ به پرسش 'کسی که شما را زاییده است' گفته است: 'از قدیم $\nu\alpha\nu\alpha$ می‌گفتند یا $\mu\alpha\rho$ '، اما در نقشه، در محل جغرافیایی روستای موردنظر، تنها تلفظ $\mu\alpha\rho$ ثبت شده است. به‌همین ترتیب، گویشور روستای 'د' ('آهار')، با شماره سی‌وهشت، پاسخ پرسش مطرح‌شده فوق را $\nu\alpha\nu\alpha$ یا 'مادر' داده است، (که به‌همین صورت، اولی با الفبای آوانگار و دومی با خط فارسی ثبت شده‌اند). اما در نقشه، در محل جغرافیایی این روستا، واژه $\mu\alpha\rho$ درج شده است.

در جای دیگر (نقشه شماره ۲)، در توضیحات تصریح شده که در روستای 'ف' (سبوزرگ)، گویشور شماره ۲۱ گفته است که معادل واژه 'پدر' در آن روستا 'بابا' یا 'پدر' است، (که همین‌طور با خط فارسی ثبت شده)، و دیگر $\pi\iota\phi\alpha\rho$ (ثبت‌شده با الفبای آوانگار) نمی‌گویند (ص. ۱۸). اما در بخش موردنظر، در نقشه‌ای که قرار است توزیع جغرافیایی معادل‌های گویشی واژه 'پدر' را نشان دهد، برای این روستا، واژه $\pi\iota\phi\alpha\rho$ ثبت شده است. به‌همین ترتیب، در نقشه شماره ۳۰، معادل واژه 'سبیل'، در روستای 'ح' (شنستان)، براساس توضیح ارائه‌شده در بخش توضیحات، $\sigma\iota\beta\iota\lambda$ است، اما در نقشه به‌صورت $\sigma\epsilon\beta\iota\lambda$ ثبت شده است (ص. ۴۶). و در نقشه شماره ۳۳، مطابق آنچه در بخش توضیحات آمده، در روستای میگون، معادل گویشی واژه 'شانه'، دو واژه $\delta\upsilon\sigma$ و $\Sigma\upsilon\nu\alpha$ است. اما در نقشه فقط $\delta\upsilon\sigma$ ثبت شده است (ص. ۴۹).

اطلس گویش‌شناختی قصران داخل

یکی از مهم‌ترین اهداف در مستندسازی زبان، گردآوری و تدوین داده‌های ماندگار و مناسبی از زبان مورد بررسی است که بتوان آن را بایگانی کرد و بسته به مورد، به منظور تحلیل‌های زبان‌شناختی، مورد استفاده قرار داد. مهم‌ترین نقش اطلس‌های گویش‌شناختی نیز آن است که با بهره‌گیری از برون‌داد فرایند مستندسازی زبان، چهره زبانی یک پهنه جغرافیایی را به خوبی ترسیم کنند و داده‌هایی قابل‌اتکا برای توصیف و برنامه‌ریزی زبان به دست دهند.

این کتاب با در نظر گرفتن این اهداف، بسیار مفید ارزیابی می‌شود و تلاشی است در خور توجه، که در جهت مستندسازی خرده‌گویش‌های منطقه قصران و ارائه نقشه‌های گویشی این منطقه انجام شده است. اگرچه کتاب مورد بحث از برخی جنبه‌ها نارسایی‌هایی دارد، که به برخی از آن‌ها اشاره شد، اما این اشکالات به هیچ‌روی در حدی نیست که از ارزش کار نویسنده محترم بکاهد.

فریار اخلاقی

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

منابع

پرمون، یداله. (۱۳۸۵). *طرح ملی اطلس زبانی ایران: کتابچه جامع تدوین اطلس (مستندسازی، پایگاه داده‌ها، نقشه)*. تهران: پژوهشکده زبان و گویش، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

دیپهیم، گیتی. (۱۳۸۸). *اطلس گویش‌شناختی قصران داخل*. تهران: سروش و دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

_____ (۱۳۸۴). *بررسی خرده‌گویش‌های منطقه قصران به‌انضمام واژه‌نامه قصرانی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ستوده، منوچهر. (۱۳۷۴). *جغرافیای تاریخی شمیران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۷۹). *نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- کریمیان، حسین. (۱۳۵۶). *قصران (کوهساران)*. تهران: انجمن آثار ملی.
- کی‌منش، هدی. (۱۳۸۷). 'نقشه‌های زبانی در جغرافیای گویشی'. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی، کتبی‌ها و متون. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- محمودیان، علی‌اکبر و همکاران. (۱۳۸۱). *اطلس شهرستان شمیران: رودبار قصران، لواسان و شهر شمیران (تجربش)*. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی و مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- _____ (۱۳۸۸). *شهرستان شمیران: شهرهای شمیران، قصران و لواسان*. تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران.

- Bowern, C. (2008). *Linguistic Fieldwork: A Practical Guide*. New York: Palgrave Macmillan.
- Chambers, J. K. & P. Trudgill. (1998). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Veith, W.H. (2006). 'Dialect Atlases' in *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Edited by Keith Brown. Boston: Elsevier, 517-528.